

«شاخه زیتون»

در جشنواره فیلم کوتاه تهران

در آخرین سانس روز نخست جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران، خانواده شهید موسوی بخش «شاخه زیتون» را افتتاح کردند. بخش شاخه زیتون جشنواره فیلم فجر که به نمایش فیلم‌هایی درباره مردم مظلوم فلسطین اختصاص دارد، با حضور خانواده شهید سیدرضی موسوی، که سال گذشته در حمله هوایی اسرائیل در سوریه به شهادت رسید، آغاز به کار کرد. لیلی موسوی، دختر شهید، در این مراسم به نقش سینما

فراستن یک تصویر اسطوره‌ساز

فیلم لحظات پایانی حیات مادی یحیای مقاومت

ارزش اتنوگرافیک بسیاری دارد که می‌تواند تمامی

روش‌شناسی سینمای مستند را برهم زند

نیروی احیای مقاومت نو و انفجار افتخار و فووان جدید و تجدید اقتدار مظلوم بدل شده است. یک تکه‌فیلم پیهادی مکر مکاران را به اراده خدا تبدیل و به دام مکاران بدل کرده است. به هر حال به سخن تخصصی انسان‌شناسی تصویری در تکه‌فیلم‌های پیهادی و سکانس پایانی مقاومت شهید زنده یحیای مقاومت می‌پردازم.

توان معجزه‌آسای صوت و تصویر

رساله فیلم اتنوگرافیک نوشته ژان روش، مردم‌نگار و سینماگر مستندهای انسان‌شناسی در کتاب درآمدی بر انسان‌شناسی تصویری و فیلم اتنوگرافیک، نکته مهمی را از همان آغاز پیش می‌کشد که برای واکاوی ماهیت فراوانی دارد. اومی‌نوسید: استفاده از تکنولوژی صوتی - تصویری برای مشاهده واقعیت‌های انسانی، به‌صورت عقلانی تنها از سال ۱۹۵۰آغاز شد.

این نوشته درباره یحیای مقاومت و زنده‌گر جاودانه ایستادگی علیه ظلمات جهان کنونی شهید سنوار نیست، درباره پدیده تکه‌فیلم‌های خبری و تکنولوژی پیهادی است که در جنگ حق علیه باطل اهل غزه این مظلومیت مقتدر فضای جهان را پر کرده است. به‌زودی آخرین تصورات درباره واقعیت تصویر به وسیله هوش مصنوعی بر یاد خواهد رفت و بحث تخصصی

واقعیت تصویر یا تصویر واقعیت دچار دگردیسی تکنولوژیک خواهد شد، اما آنچه حذف‌شدنی نیست، حیات حقیقت انسان، ولودر یک نفر از کل اهل زمین است، چنانچه قدرت شیطان موفق شود همه بشریت را به بردگی و فرسایش آدمیت بکشانند و آن مولودی است که هیچ شیطان و طاغوت و فرعون‌نی بدان دسترسی ندارد.

اتنوگرافیکی به سبک سینما پسامدرنیستی

سنوار تنها نمونه سرباز و مثال کوچکی از آن انسان کامل معصوم موعود است که نشان می‌دهد تکنولوژی اسیر دست طاغوت‌هم به دامچال مکاران و رسواگر و تحقیرکننده ظلمات به تدبیر خدا بدل تواند شد. به هر حال تکه فیلمی که سکانس آخر زندگی سنوار تا این لحظه است ارزش اتنوگرافیکی در راس‌های مستند، ولو مستند پیهاد را تنها دارد و می‌خواهم در همین باره با توجه به کنجکاوی‌های پژوهشی‌ام سخن بگویم. دهه ۷۰ و به‌ویژه ۸۰، دوران توجه نظری، کار عملی و فیلم‌ساختن و نوشتن مقالات متعدد در قلمرو واقعیت تصویر مستند، راش‌های مستند، فیلم‌های مختلف اتنوگرافیکی و نیز سبک پسامدرنیستی سینمای خودپیانگر و موضوع تصویر واقعیت و انسان‌شناسی تصویر بود. گروه مطالعات مستند که پی از اغتشاشات ۸۸ از هم باشید، هرچند طی مدت کوتاهی، نه بیشتر از دوسال شکل گرفت، اما محفلی با جلسات هفتگی منظم بود که بالقوه ظرفیت فراوانی برای کار در قلمرو شناخت مستند ایران و عمل مستند مرتبط با تجربه در متن زندگی مستندآن سال‌ها داشت.

انسان‌شناسی تصویری

تکه‌فیلم‌ها یکی از موضوعاتی بود که در آنجا به محور گفت‌وگو تبدیل می‌شد. ما (محمد تهامی نژاد، پیروز کلانتری، فرهاد وهررام، روبرت صافاریان ومدتی هم همایون امامی، مانی پتگر، محمدسعید محمصی، شادمهر راستین و من) در ارتباط با سینمای مستند کنجکاوی‌های بی‌سابقه‌ای داشتیم. یکی از موضوع‌ها تکه‌فیلم‌ها بود. حالا واکاوی تکه‌فیلم سنوار بر میل خاکستری و نارنجی در ساعات پایانی شهادتش موضوع این مقاله است. ما نمی‌دانیم پیس از این سکانس، چه مدت زندگی این زنده‌گر و یحیای مقاومت ادامه یافت. ما نمی‌دانیم اسرائیل چه کرد و جنایت جنایتکار تا کجا ادامه یافت و سنوار چگونه زیر آوار شهید شد و چه گذشت و حماسه او چه سکانس و تصاویر تکان‌دهنده دیگری از روح خیره‌کننده‌اش را به یادگار گذاشت، اما به‌صورت قطعی این پرش از نمای طولانی و تکه‌فیلم حرف‌های تازه‌ای در دل دارد. تصاویری که قرار بود پژواک پیروزی شیاطین و سرچشمه نومیدی مردم تکه‌پاره‌شده باشد، به

در افزایش آگاهی جامعه نسبت به وقایع غزه و فلسطین اشاره کرد و گفت: «یدرم در هشتادمین روز از طوفان الاقصی در سوریه به شهادت رسید. این بخش جشنواره کمک می‌کند تا مردم نسبت به آنچه در این منطقه می‌گذرد، آگاه شوند. در نبود فرصت برای ساخت فیلم‌های بلند، آثار کوتاه می‌توانند به وقایع غزه بپردازند و تأثیرگذار باشند». او افزود: «فیلم‌هایی که در این بخش نمایش داده می‌شود، نشان می‌دهد که

انسان‌شناسانه به موضوعی در زندگی ما چه آیینی در قبیله آفریقایی و چه یک فضای شهری و رفتار فرهنگی در حال حاضر و چه یک قتل یا انسان‌شناسی قربانی در لحظات پایانی عمرش نیازمند ایده‌پیشینی پژوهش و تفکر و طرح و متنی است که هرگز تصویر تکمیلی بدون این دانش و تفکر و تخیل مردم‌شناسانه معنا نمی‌یابد. حال بگذارید این تحول تکنولوژیک ابزار را که دیگر ابزار صرف نیست بلکه هوشمنداست از سال‌های دهه‌های ۱۹۵۰، ۶۰، ۷۰ و ۸۰ میلادی به دهه سوم قرن بعدی یعنی امروز منتقل کنم و هوش مصنوعی را در پیهاد فیلمبردار به‌کار گیریم که هم‌موضوع و اهداف انسان‌شناختی تکه‌فیلم سکانس آخر زندگی یک شهید را تعریف می‌کند و هم فرمان ساختاری ورود به مکان و تعیین جای دوربین و اندازه‌نما را صادر می‌کند، یعنی به صورت معجزه‌آسای پژوهش و تصویربرداری هوشمند را یکپارچه می‌کند. چنین تکه‌فیلمی چه از آب درمی‌آید؟ باز فرض کنیم تهیه‌کننده چنین فیلمی ضمتا با هوش سیاه باشد و اصلا صحنه شهادت یا به قتل رساندن دشمن را بنا به اهدافش طراحی کرده باشد و با دقت فراوان و لحاظ همه پیامدهای اجتماعی، سیاسی و روانی آن، تکه‌فیلم را در مسیر خواست و تأثیر بر نیروهای مقاومت ساخته و بخواهد بهره‌برداری کند. اکنون موضوع را چگونه باید درک کرد؛ یعنی حتی دشمن از ارائه تصویر قهرمانانه مقاومت قصد تحریض هم‌زمان قهرمان برای جانبازی داشته باشد تا همه را نابود کند و تصویر و تکه‌فیلم چنین نبیتی را نخواهد به اجرا بگذارد. آیا باز عنصر اراده انسانی و ثمرات مقاومت حماسی و ایمان ایستادگی تا پای جان را نظام طاغوت برمی‌چیند؟ پاسخ برای دو نظام هستی‌شناسی، دویا‌ور متضاد است.

دو‌نگرش توحیدی و شیطانی به یک فیلم

نگرش مادی، همه این رخدادها را که حتی برای ژان روش تصویرپذیر نبود و حتی برساختگی‌های هوشمند هوش مصنوعی و فراتر از آن سمیولاگروم انسان‌شناختی در هوش مصنوعی و وانمودگی شیطانی که مولای درزش نرود را اگر لحاظ کند، به چه نتیجه‌ای می‌رسد؟ بت تکنولوژی انسان را به برده و ابزار خود بدل می‌کند و بهره‌آن به قدرت هوسودا این پردگی تکنولوژیک و استثماری می‌رسد که جهان را طبق میل خود اداره می‌کند و مقاومت می‌زاند و مقاومت در هم می‌شکند تا نقش شیطانی انسان بلوغ و جهول و حریص را به اعلی درجه ظلم متحقق کند. این نگاه ما را به تسلیم محض به قدرت تکنولوژیک جهانی و شیطان اعظم قدرت که همه چیز از سرمایه تا فرهنگ تا رویاها و روح انسان‌ها در یک قدرت اوست فرامی‌خواند و این چیز تازه‌ای نیست. شیطان با اتکا به نفس امرکننده به‌بدی‌ها برای عصیان علیه حق به مامو حق همیشه این تسویل و اغوا را فراخوانده و خواهد خواند. اما نگاه توحیدی الهی و یکتاپرستانه دین حنیف ابراهیم که در کمال خاتم خود اسلام ناب محمدی است، همان جوابی را می‌دهد که حضرت ابراهیم پیروز در آتش داد و ابواب ابراهیم امروز در آتش، باز آن را تکرار کرد و عالی‌ترین پاسخش را هستی از حسین بن علی سیدالشهدا(ع) به‌یاد دارد؛ یعنی بالاتر از اراده همه شیاطین انسی و جنی و کل باطل و طاغوت، اراده یکتای خداست که می‌بیند و آن همه مردان و زنان عالم به دست کفر خونریزی که از ازل پروردگار عالم به آفرینش آن وقف مطلق داشت، نابود شوند عدل موعود در همین پیروزی و عزت را به مستضعفان وعده داده و پیروزی خدایی شکست است و شهیدشدن در این راه حق است و تردید در آن جایی ندارد. تکه‌فیلم سکانس پایانی پیهاداسرائیلی اگر لحظه به‌لحظه این شهادت را هم طراحی کرده باشد، دمی از این پیام خالی نیست و این عبودیت خالص از دسترس هر شیطانی دور است و همه ساخته‌های شیطان به‌کار طرح رحمان آمده در خدمت عدل جهانی موعود(ع) قرار می‌گیرد.

گویو مردم‌نگاران

یا جامعه‌شناسان از به‌کارگیری این ابزارها بدون برخورداری از تسلط کافی بر آنها واهمه داشتند. به این ترتیب تصویربرداری و ضبط صدا تا مدت‌های طولانی به‌مثابه روش‌هایی قلبی و حتی روش‌هایی خطرناک تلقی می‌شدند؛ زیرا این باور وجود داشت که استفاده از آنها ممکن است اولویت را در کار پژوهشی به ظواهر بدهد و اصل موضوع به فراموشی سپرده شود. ژان روش کمی بعد ادامه می‌دهد: «اکنون این پرسش مطرح است که آیا وسایل و ابزارهای صوتی، تصویری که تا دیروز نفی و طرد می‌شدند ممکن است در آینده در قالب نوعی واکنش (درست برعکس) به ابزاری «معجزه‌آسا» بدل شوند که بنیان علوم اجتماعی را دگرگون کنند؟ از ابتدا تلاش کنیم مسائل را در نظم لازم قرار دهیم. دوربین‌ها و ضبط‌صوت‌ها هر اندازه هم پیشرفته باشند نه تا امروز و نه هرگز نخواهند توانست جایگزین روش‌های کلاسیک پژوهش اتنوگرافیک شوند.»

تصویرسازی باهوش سیاه

عصاره مطلب ژان روش این است که حتی تصویربرداری برای یک نگاه

برش

حال مقاومت خوب است

تکه‌فیلم تصویرهای معلق در هواست. به‌سرعت عبور می‌کند از روی ویرانه‌ای که در بگ‌گراشدن عمق تصویر خبر از ویرانی عمومی رفح در بمباران هوایی می‌دهد. نمای خارجی ساختمان فروکوبیده‌شده در چشم به‌هم‌زدنی طی می‌شود و شیء، در حال فیلمبرداری هوایی، احتمالاً یک پیهاد از قاب پنجره بدون شیشه و نابودشده که تنها دیوارهای از آن مانده با هلال ضلع بالایی، وارد ساختمان خانه می‌شود و اندکی جلوتر می‌رود. ناگهان در عمق سالن بر میلمانی خاکستری با حاشیه نارنجی چیزی تشخیص می‌دهد. حرکت پیهاد آهسته می‌شود، مکث می‌کند. روی کسی که نیمه جان بر میل نشسته و به دوربین می‌نگرد تمرکز می‌کند. نزدیک نمی‌شود؛ گویی می‌ترسد. حرکت یک تکه ویی‌کات به عکسی بدل می‌شود. گرداگرد تصویر مرد زخمی با خط قرمز نشان‌گذاری و کلمه‌ای عبری برعکس ظاهر می‌شود، شاید نام سنوار است. یک



«این جمعیت قابل کنترل» در بلغارستان

فیلم سینمایی «این جمعیت قابل کنترل» به کارگردانی محمدمتین اوجانی، به هفدهمین جشنواره بین‌المللی منا در بلغارستان ر‌یافت‌ه است. فیلمنامه این اثر توسط روناک برخوردار نوشته شده و مهرداد فرید تهیه‌کنندگی آن را برعهده دارد. جشنواره منا، یکی از بزرگترین رویداد‌های فرهنگی و هنری شبه‌جزیره بالکان، هر ساله توسط کمپانی Pozor برگزار می‌شود و بهترین تولیدات سینمای خاورمیانه، آسیای مرکزی و شمال آفریقا را به نمایش می‌گذارد. این رویداد به‌ویژه با سینماگران کشورهای منطقه که نمایانگر سنت‌ها و آداب و رسوم گروه‌های قومی هستند، ارتباط نزدیکی دارد. بخش بین‌المللی این فیلم نیز توسط دی‌ان‌منا جهانی Bahr Films با مدیریت مریم بحرالعلومی انجام می‌شود. این جمعیت قابل کنترل، روایت پیروزی است که با اینکه دچار فراموشی شده اما هنوز اسیر تئلی‌ترین آرزویش را از خاطر نبرده است.... در این فیلم، بازیگران مطرحی هم‌چون فریده سیاه‌منصور، محمدرضا داوودنژاد و مهناز افتاده‌نیا به ایفای نقش پرداخته‌اند. هفدهمین دوره جشنواره بین‌المللی منا از تاریخ ۲۷ تا ۲۸ ژانویه ۲۰۲۵ در شهر صوفیه بلغارستان برگزار خواهد شد.

جشنواره



خانواده‌ها چگونه با وجود کمبودها کنار هم زندگی می‌کنند و چه بر سر آرامش آنها می‌آید. تماشای این جزئیات برای من غم‌انگیز بود و امیدوارم آثار بیشتری در این زمینه ساخته شود تا مردم با قهرمانان خود آشنا شوند. موسوی در پایان به علاقه پدرش به سینما اشاره کرد و گفت: «با اینکه پدر زمان زیادی برای تماشای فیلم نداشت، اما همیشه از فیلمسازان حمایت می‌کرد و برای ساخت آثار در سوریه تلاش می‌کرد».

تصویر انسان عبد و خالص

در تکه‌فیلم یحیای مقاومت هر لحظه رخداد نوری است برای ادراک انسان عبد. پیهاد سنوار را در میل خاکستری با نوار نارنجی زمانی به ما نشان می‌دهد که خونریزی زخم مهلک رمق ایستادن از او گرفته، تنگ او بی‌گلوله شده و مع دست از کف داده و توان رزم از او سلب شده است، اما او تکلیفش را از دست نمی‌نهد. زخمش را با مفتول بسته، زیرا در او امید زخمی نشده و روح حیات زنده است. او چنان مستحکم و آزمون داده است که می‌داند هیچ شکنجه‌ای دهانش را نخواهد گشود. او قبلا شکنجه صهیونیست‌ها را چشیده و آنان خوب می‌دانند به روح و ایمانش دسترسی ندارند. پی هر لحظه زنده بودنش در دنیا آنان را عذاب می‌دهد و تحقیر آنان است. او در اوج آمادگی برای شهادت، تکلیف حفظ حیات خود را دارد. دست قطع‌شده‌اش را با مفتول می‌بندد که جلوی خونریزی را بگیرد. دلیل آن‌که این اقدام محضول حرص زندگی دنیوی به هر قیمت نیست. باز امید در تصویر وجود دارد و عمق جان و ایمان او را به ما معرفی می‌کند. او با قدرت روحی یک رزمنده سالم برای بیان ایستادگی خود علیه کفر خونریز و حشی، تکه چوبش را به سوی پیهاد پرت می‌کند و با تنها وسیله مقاومت مقاومتش را در دم احتضار آشکار می‌سازد. این ایمان و امید و مقاومت او در تکه‌فیلم کاملا عیان است. این تصویر انسان عبد و خالص در ایمان الهی‌اش است.

درام و هنر آدم بودن و آدم زیستن

این تکه‌فیلم هرگز یک مستند اتنوگرافیکی و مردم‌نگاری متکی به فیلمنامه تحقیق شده نیست، اما چه تکه‌فیلم جزئی از طرح از پیش طراحی شده دشمن باشد و چه تصویر اتفاق از واقعه قتل انسانی باشد، به محض تماشاشدن در بستر زندگی روزمره، زندگی سیاسی، زندگی انسانی، مناسبات اجتماعی، چالش‌ها و معنای منازعات، رخداد‌های حاوی فرهنگ، آریان، روان و تخیل انسانی قرار می‌گیرد و در مجموعه تصویری خود حامل بار معنایی انسان‌شناختی و مورد استفاده تفسیری بنا به سویه علمی و بینشی می‌تواند باشد.

کارگردانی چهره به یک اسطوره، بلکه اسوه

ژان روش به ما می‌گوید رویای هر مردم‌نگار آن است که درباره هریک از مردی که دربارشان مطالعه‌می‌کند یک مجموعه تصویری متحرک و زنده فراهم آورد. تکه‌فیلم پیهاداسرائیلی یک تصویر متحرک بی‌همتا از یک رهبر مقاومت اسلامی علیه ظلم جهانی در آستان پیوستن به معبودش است. این تکه‌فیلم با هر هدفی از سوی دشمن پدید آمده باشد نقطه درخشان هدایت جهان خواهان عدل جهانی به سمت مقاومت برای ظهور موعود موجود(ع) است. این همان دام الهی است که از مکر مکاران برای نابودی‌شان سود می‌جوید. پس در دراماتیک این تصویر شجاعت، ایمان، مقاومت و عصاری بندگی محصول هنر آدمی نیست، بلکه قدرت آن به ساختار طبیعی درام در آفرینش متکی است. کسانی چون گدار و کیارستمی کوشیدند با وفاداری به ساختار دراماتیک درون طبیعت و واقعیت به روح این درام حقیقی دست‌یابند، اما این وجه دراماتیک تنها و تنها در کش صادفانه خود انسان در حیاتش به نحو کامل ظاهر می‌شود و نیرو و بطن دراماتیک تکه‌فیلم یحیای مقاومت، متعلق به یک عمر ایمان اوست که در سکانس پایانی زندگی‌اش فووان می‌کند و دروغ‌های ساخته‌شده کفر جهانی را علیه او برملا می‌سازد و از او نه اسطوره، بلکه اسوه‌ای جاودان پیرو علی و حسن و خاندان معصوم وحی می‌سازد و این با تعریف مدرسی فیلم پژوهشی انسان‌شناختی جور نمی‌آید. این تصویر با چشم شاهد نامرئی رابطه‌ای نهانی دارد و به وسیله‌آن شاهد کارگردانی می‌شود.

قطع و دوربین کمی نزدیک شده و هواپه‌ای به می‌نگرد. مرد زخمی که چوبی برای آخرین جنگ پیس از تمام‌شدن گلوله‌هایش در دست گرفته با آخرین رمق آن را به طرف پیهاد پرت می‌کند. پیهاد به سمت جب می‌گریزد و پایان، تا جایی که به خود تصاویر ربط دارد. جدا از این‌که مرد زخمی کیست، تصاویر پایان حیات دنیوی‌اش گویای این مفاهیم است: شجاعت، مقاومت، قدرت روحی تردیدناپذیر، مبارزه با آخرین رمق و مرگی شکوهند و اسوه همه ایستادگی ها همه پیروزی و عزت‌اوست. حال خوبی دارد. خوشباه حالش که مرگ و دشمن را تعقیر می‌کند و دلیل نیست؛ این دشمن ترس زده اوست که حقیر است. و پیهاد هم کرسی ترسوست. برابر شری در دم احتضار. دروغ‌ها در یک نمای طولانی بر یادرفته است. او را نهان شده در توتل‌ها و پشت سیر اسیران وانمود کرده بودند. خداوند مکاران را در دانشان گرفتار می‌کند. سنوار در میدان انبوه مردم بی‌پناه، بی‌شاییش آنها فتوحات آینده و آغاز حماسه‌های عریان را فریاد زده است. حالا این تصاویر و نمای سکانس طولانی را با فرض لحظه‌های آخر زندگی سنوار با حس خودم و دانایی‌ها و معرفتم و فرهنگم و زیبایی‌شناسی‌ام و ا می‌کاویم. صادقاته بگویم درهمان اولین نگاه جانکا، برایم سنوار مثالی زنده هرچند کوچک از عباس علی بود. عباس برادر، در دم غلغمه. حتی نوشتن نامش دلم را می‌لرزاند و خجالت و ناشایی و ناشایستی سراسر جانم را بر می‌کند. ولی بود. او تجسم چیزی بود که می‌گفت عباس افسانه نبود. سنوار که اینست او چه شیر شرز خدا بود!

رویداد

«لوپتو» و «بیرو» در جشنواره بین‌المللی کودکان چین



انیمیشن سینمایی «لوپتو» به کارگردانی عباس عسگری و تهیه‌کنندگی محمدحسین صادقی تولید مرکز انیمیشن سوره و فیلم سینمایی «بیرو» به کارگردانی مرتضی علی عباس میرزایی در بخش رقابتی هفدهمین دوره جشنواره فیلم بین‌المللی کودکان چین به نمایش درمی‌آیند. این دو اثر سینمایی که بیش از این ارکان موفقی را در سینما و همچنین بستر آنلاین نمایش فیلم داشته‌اند با سایر آثار این جشنواره بین‌المللی رقابت خواهند کرد. به این ترتیب هفدهمین دوره این جشنواره از ۲۰ تا ۲۶ اکتبر برابر با ۲۹ تا ۵ آبان در شهرهای چیچنگ‌دو و جی‌چان در کشور چین برگزار می‌شود. در جشنواره فیلم بین‌المللی کودکان چین بیش از هزار فیلمساز و دست‌اندرکار فیلم چینی و خارجی طی هفت روز به تماشا و بررسی توسعه فیلم کودک می‌پردازند. این جشنواره با توسعه خود در سال‌های گذشته، به یک سکوی معتبر برای آشنایی فیلمسازان جهان با فیلم کودک و تعامل بین فیلمسازان در سطح بین‌المللی تبدیل شده است. بخش بین‌المللی این آثار برعهده مرکز بین‌الملل سوره است.